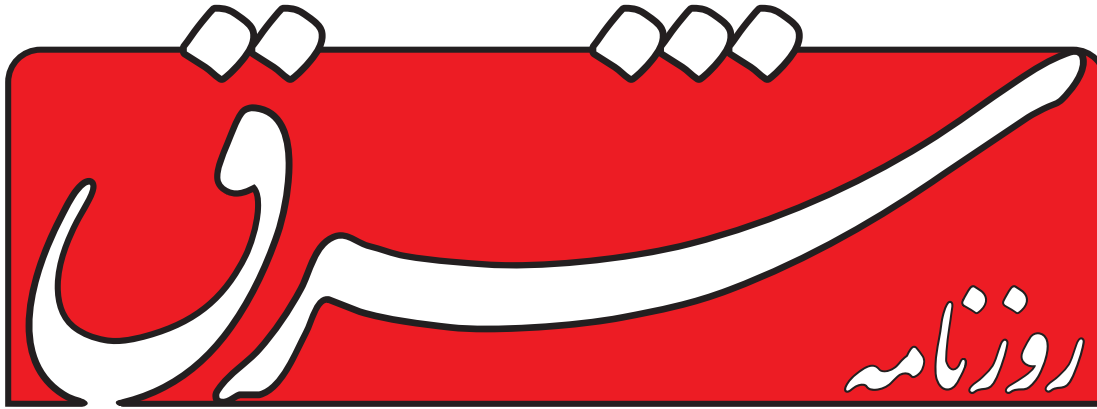


فشار دولت و رسانه‌های نزدیک به دولت برای ابطال نتیجه انتخابات اتاق ایران ادامه دارد

بزنگاه پارلمان بخش خصوصی

شرق: انتخابات پرماجرا پارلمان بخش خصوصی با فشار دولت و رسانه‌های نزدیک به اصولگرایان در آستانه ابطال قرار گرفته است؛ موضوعی که از دیدگاه فعالان بخش خصوصی و فعالان صنایع بزنگاه کبان و استقلال اتاق ایران توصیف می‌شود.

صفحه ۴



دوشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۲ • ۱۳ محرم ۱۴۴۵ • ۳۱ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۱۴ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان



شهریار حیدری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با «شرق» تحلیل کرد

بازگشت گشت ارشاد و نقش دولت

معصومه معظمی: تنها چند ماه به انتخابات مجلس دوازدهم زمان باقی است و در این فرصت باقی‌مانده، مجلسی‌ها کوشیدند با اصلاحاتی، قانون انتخابات جدید را مبنای انتخابات پیش‌رو قرار دهند. هرچند به موجب قانون جدید کاندیداها موظف‌اند شش ماه مانده به انتخابات برای نامزدی ثبت‌نام کنند؛ اتفاقی که مورد نقد برخی نمایندگان قرار دارد...

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: در جلسه شورای شهر تهران چه گذشت؛ دو روایت از انتصابات در شهرداری، ارزیابان به هگمتانه می‌آیند، رئیس دیوان عدالت اداری: حکم دیگر میثم لطیفی باید مورد بررسی قرار گیرد

نگاهی به کشمکش‌های لفظی مدیران دولت قبل و کابینه فعلی بر سر اقتصادی رنگ رخسارش را کم و بیش با هم ساخته‌اند

جدل بدون حاصل

نویخت: با انتشار ۳۱۱.۵ هزار میلیارد تومان اوراق مالی، دولت سیزدهم در کمتر از دو سال بیش از هشت سال فعالیت دولت‌های یازدهم و دوازدهم، انواع اوراق مالی برای کسب درآمد منتشر کرد

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



حمایت رهبر واکنراز کودتا در یکی از فقیرترین کشورهای جهان

پرونده نیجر روی میز رهبران آفریقا

گزارش توصیفی و تحلیلی «شرق» از برخی احکام صادر شده

روزنامه‌نگاری با اعمال شاقه

چرا یک جریان نمی‌خواهد پای وزیر کشور به مجلس باز شود؟

جدال برای تصاحب مجلس

گفت‌وگو با فائزه عزیزخانی درباره شرایط ساخت فیلم‌های اجتماعی

نامتعارف عمل کردن در سینما گاهی ناممکن است

برای سکوهای ورزشگاه وعده‌ها عملی می‌شوند؟

خروج زنان از تهران



برسد به دست وزیر اقتصاد و همکارانش در شورای عالی نظارت بر اتاق بازرگانی

خروج

پیاده‌اشتی از محسن رفائلی

کسب سهم نقدی از شرق

سرمقاله

کدام دولت، کدام بازار؟!



حجت میرزایی

در تحلیل‌های اقتصاد سیاسی مفاهیم متعددی برای توصیف و گونه‌شناسی و تحلیل رفتارها و کارکردهای دولت‌ها به کار رفته است. یکی از این مفاهیم که از قضا از سوی محسن رفانی، اقتصاددان فرهیخته ایرانی (در کتاب ارزشمند «بازار یا نابازار»)، برای توصیف برخی دولت‌ها به کار رفته، مفهوم «دولت متناقض» است. او با معیار نقش‌ها و کارکردهای توسعه‌ای دولت‌ها در بسط و تطور تاریخی و نیز مقایسه عینی در دوره حاضر از نظر «تعامل دولت‌ها با بازار و جامعه مدنی» چهار گونه دولت را با عنوان‌های دولت کلاسیکی (حداقلی)، دولت رفاه، دولت متناقض و دولت بی‌تفاوت به تصویر می‌کشد. از دیدگاه او دولت متناقض بهترین توصیف برای دولت ایرانی به ویژه از زمان افزایش سهم نفت در اقتصاد ایران است؛ دولتی که از وظایف و مأموریت‌های اولیه و اصل دولت‌ها با وظایف تکمیلی و زمینه‌سازی برای کسب‌وکارها (اعمال حاکمیت و تأمین کالاها و خدمات همگانی و تنظیم‌گری توسعه‌گرا) بازمانده یا از انجام آن به گونه‌ها و اطوار گوناگونی طفره می‌رود؛ اما در سطح گسترده‌ای وظایف جانشینی بازار و بخش خصوصی را برعهده می‌گیرد. به زبانی رساتر دولت متناقض دولتی است که از ارائه یک چشم‌انداز روشن از زندگی و کسب‌وکارها نه در چشم‌اندازی بلندمدت بلکه حتی در کوتاه‌ترین افق شش‌ماهه تا یک‌ساله ناتوان و درمانده است، از تنظیم روابط داخلی میان شهروندان باز مانده و در آن موضوعات فرهنگی و اجتماعی به مناقشه‌ای فراگیر و گاهی متعارض با امنیت عمومی تبدیل می‌شود...

ادامه در صفحه ۵

پادداشت

این طور مشکل حل نمی‌شود



مهرداد احمدی شیخانی

انقلاب که پیروز شد، همه به دنبال پاکسازی عناصر حکومت پیشین بودند. ابتدا قرار بود سران حکومت قبلی پاکسازی شوند. بعد دایره پاکسازی کمی گسترده‌تر شد و نظامیان و سران رده‌اول ارتش را هم شامل شد. بعد باز هم دایره وسیع‌تر شد و ادارات دولتی و کارمندان رده‌بالا و بعد کارکنان رده‌پایین هم در این دایره قرار گرفتند. اما کار به همین‌جا محدود نماند و با انقلاب فرهنگی، استادان دانشگاه‌ها و دانشجویان هم به جمع این فهرست پاکسازی‌ها افزوده شدند. با این همه، قطار پاکسازی سر توقف نداشت، تا آنکه عباس دوزدوزانی که وزیر ارشاد ملی دولت شهید رجایی بود (آن موقع هنوز نام این وزارتخانه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغییر پیدا نکرده بود)، در مهرماه سال ۱۳۵۹ و در همان روزهای آغازین جنگ تحمیلی، تصمیم گرفت که وزارت ارشاد ملی و تمام ادارات آن در استان‌ها را تعطیل کند، چنان‌که روزنامه اطلاعات مورخ نهم مهر ۱۳۵۹ در این مورد آورده است که «عباس دوزدوزانی وزیر ارشاد ملی صبح امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد وزارت ارشاد ملی تا اطلاع ثانوی تعطیل شد. این تعطیلی برای تجدید سازمان و تصفیه افراد در این وزارتخانه خواهد بود. دوزدوزانی اعلام کرد تعطیلی وزارتخانه شامل مراکز و دفاتر وزارتخانه در شهرستان‌ها نیز می‌شود و فقط بعضی از قسمت‌های وزارتخانه‌ها در شرایط کنونی به کار ادامه خواهد داد». جالب اینکه در منابع باقی‌مانده از آن ایام، چیز چندانی از مخالفت هیئت دولت یا صاحبان اصلی قدرت با این تصمیم مشاهده نمی‌شود و این حکایت از آن دارد که تصمیم عباس دوزدوزانی به‌عنوان وزیر ارشاد، احتمالاً چندان هم یک تصمیم فردی نبوده و حمایت‌هایی را به همراه داشته و همین نشان می‌دهد که از همان ابتدای پیروزی انقلاب، صاحبان قدرت، چه نگاهی به این وزارتخانه داشته‌اند؛ چراکه این اتفاق، یعنی تعطیلی یک وزارتخانه یا تمامی ادارات آن در استان‌ها، برای هیچ وزارتخانه دیگری اتفاق نیفتاد. چنانچه پس از آن هم و در همه چهار دهه گذشته، هیچ وزارتخانه دیگری با مسائل و حاشیه‌های این وزارتخانه روبه‌رو نبوده است و آن انتظاراتی که صاحبان قدرت از این وزارتخانه دارند را جز در حدی بسیار پایین‌تر برای یکی، دو وزارتخانه دیگر در مورد هیچ وزارتخانه دیگری شاهد نبوده‌ایم. هفته گذشته اتفاقی افتاد که دوباره این وزارتخانه را به صدر اخبار کشور آورد و آن هم انتشار فیلم یکی از مدیران این وزارتخانه که مسئولیت ارشاد اسلامی استان کیلان را داشت، بود. مدبری که تا پیش از آن با حمایت تمام‌قد از موضوع پروژه عفاف و حجاب و برگزاری کارگاه‌هایی برای آن نیز خیرساز بوده. انتشار این فیلم و اظهارات بعضی نمایندگان مجلس که اشاره کردند پیش از این نسبت به فساد این مدیر استانی به وزیر هشدار داده‌اند و شنیده گرفته شده، فضایی سنگین را برای وزیر ارشاد فراهم آورد. بنابراین قابل پیش‌بینی بود که جناب وزیر تلاش کند تا از زیر بار این فشار رهایی یابد.

ادامه در صفحه ۵

«چه دارایی‌هایی را بخرم و بگذارم و بروم؟». این پرسشی است که در ربع قرن گذشته برای نخستین بار، هفته گذشته یک فعال اقتصادی از من پرسید. خیلی‌ها می‌روند و رفته‌اند اما «این‌گونه رفتن» معنای تازه‌ای دارد که در گذشته ندیده بودم و نشان می‌دهد که اقتصاد ایران دارد وارد دوران تازه‌ای می‌شود.

در زمان دولت آقای هاشمی سؤال سرمایه‌دار از یک مشاور اقتصادی این بود: کجا سرمایه‌گذاری تولیدی انجام بدهم؟ بروم بلوچستان که وام ترجیحی با سود سه درصد می‌دهند یا در اصفهان با وام ۱۲ درصد سرمایه‌گذاری کنم؟

در زمان دولت آقای خاتمی پرسش فعال اقتصادی این بود: استان‌های محروم و وام کم‌بهره را رها کن؛ بگو در استان‌هایی مثل اصفهان یا تهران یا خراسان در چه حوزه‌ای سرمایه‌گذاری کنم؟

در زمان دولت آقای احمدی‌نژاد پرسش فعالان اقتصادی این شد: تولید را رها کن؛ بگو سرمایه‌ام را طلا بخرم یا دلار یا زمین؟

سؤال کارآفرینان در دولت آقای روحانی این بود: بگو در کدام کشور همسایه سرمایه‌گذاری کنم؟ کره‌جناب، ارمنستان، امارات یا ترکیه؟

و در دو سال اخیر (دولت آقای رئیسی) پرسش این شده بود: خودم و سرمایه‌ام به چه کشوری برویم؟

این روند نشانه تخریب بلندمدت محیط کسب‌وکار در ایران است. در سه دهه گذشته به خاطر بی‌ثباتی‌های فزاینده اقتصادی و سیاسی و ابهام در افق اقتصاد و سیاست و افزایش مستمر ریسک و نااطمینانی (عدم اطمینان / عدم قطعیت)، سرمایه‌گذار دانا خود را سرگردان‌تر و پریشان‌تر یافته است و مجبور بوده برای گریز از مخاطرات حاصل از افزایش نااطمینانی، دائما گزینه‌های کمتر و کمتری را در برابر خودش ببیند، تا جایی که به یک گزینه می‌رسد: خودم با سرمایه‌ام به کدام کشور بگریزم؟ تا اینکه هفته گذشته برای نخستین بار من با این پرسش مواجه شدم: «بگو چه دارایی‌هایی را بخرم و همین‌جا بگذارم و از این کشور بروم؟»

می‌گویند: «می‌خواهم خلاص شوم. هیچ چیزی سرچای خودش نیست و هیچ افقی در برابر نیست. زیر بار بی‌ثباتی‌های اقتصادی و سیاسی و فساد اداری و مداخلات دولتی خرد شده‌ام؛ دیگر توان ادامه ندارم. می‌خواهم از این کشور بروم، اما به خاطر تحریم‌های بانکی نمی‌توانم سرمایه‌ام را ببرم. می‌خواهم سرمایه‌ام را اینجا بگذارم و خودم بروم. به من بگو سرمایه‌ام را همین‌جا به چه دارایی‌هایی تبدیل کنم که امنیت داشته باشد، تا با خیال راحت بروم؟»

این تصمیم نشانه «پایان عصر انتخاب» در اقتصاد ایران است. سرمایه‌گذار دیگر افقی برای سرمایه‌اش نمی‌بیند؛ می‌گوید پس بگذار خودم را آزاد کنم. من این وضعیت را آغاز مرحله «خروج از بازی به هر قیمتی» می‌دانم. یعنی بازیگر اقتصادی دیگر به هزینه خروج از بازی اقتصاد نگاه نمی‌کند او فقط تصمیم به خروج می‌گیرد.

آقایان وزرا!

شنیدم دوشنبه ۹ مرداد قرار است در «شورای عالی نظارت بر اتاق بازرگانی» درباره انتخابات هیئت‌رئیس اتاق ایران تصمیم بگیرید. شنیدم تحت فشار هستتید تا انتخابات را باطل کنید. برای اولین بار در تاریخ ۱۵۰ ساله اتاق، دارد چنین واقعه‌ای رخ می‌دهد و این برای بخش خصوصی یک نشانه است.

اتفاق بازرگانی آخرین امید و ملجأ بخش خصوصی است. آخرین جایی است که می‌توانند کنار هم بنشینند و برای دردهایشان راهکاری بیابند. این نقطه همدلی و هم‌بستگی را از بخش خصوصی نگریزد. بخش خصوصی به اندازه کافی خسته و دلشکسته است، آخرین نقطه اعتماد و اتکایش را به آخرین نقطه فشار و زمینه‌ای برای تصمیم به خروج از بازی تبدیل نکند.

احزاب زمین‌گیر شده‌اند؛ فعالیت نهادهای مدنی و سمن‌ها امنیتی شده است؛ نهادهای سنتی و تاریخی بی‌هویت شده‌اند؛ نهادهای مدنی دیگر، مثل سازمان‌های نظام مهندسی و نظام پزشکی، را زیر کنترل حکومتی بردید؛ دوجا مانده است که هنوز رمقی دارد که مستقل از حکومت فعالیت کند؛ دانشگاه و بخش خصوصی. این روزها برای هر دو نقشه کشیده‌اند.

ادامه در صفحه ۴

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶ ۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

سیم‌کارتت رو روشن کن

یکسال اینترنت رایگان برای ۱,۰۰۰ نفر